

## اعتدال یا نبش قبر اصلاحات؟

حجت احسان بخش

هنگامی که در رقابت‌های انتخاباتی، شعار اعتدال از سوی دکتر روحانی مطرح شد، بسیاری فکر می‌کردند، با روی کار آمدن دولت اعتدال، اعتدال نیز محقق خواهد شد. اگر یکی از مصادیق اعتدال توجه به نظرات دیگر کاندیداها و طرفداران آن‌ها باشد، با روی کار آمدن دولت اعتدال، انتظار می‌رفت که به این مسئله به صورت روش‌مند توجه شود، نه آن‌که خود را محدود به آزای یک گروه سیاسی خاص نماید. متأسفانه دولت مدعی اعتدال آنقدر رنگ و بوی جریان سیاسی اصلاحات به خود گرفته که روزنه‌های امید به اعتدال را در این عرصه بسیار کم‌رنگ کرده است. در دوره اصلاحات پدیده‌ای به نام «روزنامه‌های زنجیره‌ای» با بیان کردن مطالبی علیه مبانی اسلام ناب سعی بر ایجاد شبهه و مسموم کردن جامعه ظهور کرد و هر از گاهی به دلیل افراط بیش از حد، برخی از آن‌ها تعطیل می‌شدند اما با تاسیس روزنامه دیگری با همان مشی افراطی راه خود را ادامه می‌دادند. با کمال تأسف با آمدن دولت کنونی، باز شاهد شبهه‌افکنی‌ها و دروغ‌پردازی‌هایی از همان نوع هستیم که برآند تا خوانندگان خود را به کج‌راهه سوق دهند. در همین راستا روزنامه بهار مطلبی بسیار توهین‌آمیز به ساخت

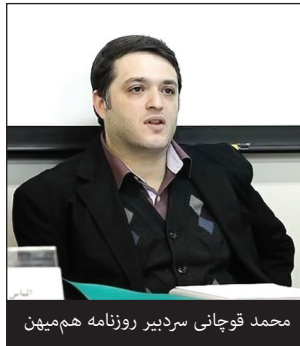


امیرالمومنین علی (علیه السلام) نوشت که از آن بوی تکرار مقالات فتنه‌انگیز دهه ۷۰ به مشام می‌رسید.

سردبیر روزنامه تازه تأسیس هم‌میهن در توضیح این‌که این روزنامه در دوره جدید چه روندی را پی خواهد گرفت،

در سرمقاله‌ای با عنوان «هم‌میهن نه ارگان دولت، نه ارگان اپوزیسیون» می‌نویسد: هم‌میهن نه ارگان دولت است نه ارگان اپوزیسیون، روزنامه هم‌میهن خود را یک روزنامه حرفه‌ای معتقد به گفتمان «اصلاح + اعتدال» می‌داند.

این یادداشت از سوی محمد قوچانی در حالی در دوره جدید روزنامه هم‌میهن با عنوان حمایت از گفتمان اعتدال نگاشته شده است که وی در روزگاری نه‌چندان دور در دوران دوم خرداد، با انتشار مقالاتی



محمد قوچانی سردبیر روزنامه هم‌میهن

در روزنامه‌هایی همچون «نشاط»، به صورت افراطی از مواضع رفرمیست‌ها و اپوزیسیون در موضوعاتی همچون قتل‌های زنجیره‌ای، کوی دانشگاه و اصلاح قانون مطبوعات دفاع می‌کرد. وی این روزها در حالی خود را مدافع رئیس جمهور کنونی، اکبر هاشمی رفسنجانی و ناطق نوری و یک معتدل می‌نامد که روزگاری سرمقاله‌ها و کتاب‌هایش مختص به تخریب این افراد از جناح راست سنتی بود.

سردبیر روزنامه هم‌میهن در مقدمه کتاب «پدرخوانده و چپ‌های جوان» آن‌چنان به هاشمی رفسنجانی و خانواده‌اش می‌تازد که گویی این خاندان با وی و خانواده‌اش دشمنی دیرینه‌ای داشته است. وی در این کتاب هاشمی رفسنجانی را «خانواده اقتدار» لقب می‌دهد و برای آزادی یک عنصر افراطی رفرمیست، به نام «اکبر گنجی»، از زندان که هاشمی رفسنجانی را متهم به دست داشتن در قتل‌های زنجیره‌ای کرده بود، تلاش می‌نماید. وی کتابی

هم با عنوان «عالیجناب سرخ پوش» در همین راستا نوشت.

این روزها و در فضای مطبوعاتی دولت اعتدال اگر سری به باجه‌های روزنامه‌فروشی بزینم، خواهیم دید که قریب به اتفاق روزنامه‌ها تنها به طرفداری از دولت می‌پردازند و جایی برای نقد سازنده از دولت را قبول نمی‌کنند و چند روزنامه‌ای هم که علاوه بر نقاط مثبت به نقاط ضعف می‌پردازند، را افراطی

معرفی می‌کنند. این روند در عرصه مطبوعات، غیر از ظهور قارچ‌گونه سایت‌های حامی دولت است که همه جانبه به تعریف از دولت می‌پردازند و از سوی اصلاح‌طلبان تغذیه فکری می‌شوند.

در کنار این تغذیه فکری، به میدان آمدن برخی از افراد که به عنوان پدر معنوی دولت اعتدال معرفی می‌شوند و در حقیقت در صف اصلاح‌طلبان قرار داشته‌اند را می‌توان در همین راستا تفسیر کرد. اخیراً آقای چیت‌چیان وزیر نیروی دولت دکتر روحانی برای بیان گزارش وزارت متبوعش به

دیدار آقای هاشمی رفسنجانی رفت و به او گزارش داد! این عمل وی با موضع‌گیری‌های تند بعضی از نمایندگان مجلس و بعضی از نخبگان کشور مواجه شد که واقعاً رئیس دولت کیست و نقش هاشمی رفسنجانی در دولت چیست؟

فعال شدن این شخصیت همراه و همیشگی اصلاح‌طلبان و سایت او را نیز می‌توان در همین چارچوب تحلیل کرد. سایت آقای هاشمی رفسنجانی که مدتی است بسیار فعال شده، بعد از پیروزی دکتر حسن روحانی کاربران را با تیتری عجیب، شوکت‌زده کرد: هاشمی انقلاب را از خوارچ پس گرفت!

اصلاح‌طلبان بعد از روی کار آمدن دولت دکتر روحانی، به دنبال این هستند که همه مسولیت‌ها را تصاحب کنند؛

همچنین انتخاب بسیاری از مدیران از میان افراد منسوب به فتنه‌گران و طرفداران ایشان و کسانی که علناً در حوادث فتنه ۸۸ دست داشته و از آن تبری نجسته‌اند، بیانگر عدول از شعار اعتدال و رویکرد به افراطیون اصلاح‌طلب است که نمونه اخیر آن انتساب استاندار جدید ایلام است. وی در مصاحبه‌ای به صراحت گفت: «من چیزی به نام فتنه را قبول ندارم، حالا هرکسی هرچه می‌خواهد بگوید!

بر سر کار آمدن بسیاری از اصلاح‌طلبان، آن هم نه اصلاح‌طلبان معتدل، بلکه برخی از افراطیون اصلاح‌طلبِ طردشده و اظهارنظرهای آزادانه آن‌ها در کنار به‌دست‌گرفتن نبض مطبوعات و رسانه‌های کشور، بیانگر سوءاستفاده از کلمه اعتدال در این دولت و نیش قبر اصلاحات و بازگشت نیروهای ایشان به میدان اجرایی کشور است.

رهبر معظم انقلاب پنج سال قبل در باب فرصت‌طلبی عده‌ای از واژه اعتدال، مطلبی را هشدار دادند:

«بعضی‌ها با نام عقلانیت، با نام «اعتدال»، با نام پرهیز از جنجال و دردرس بین‌المللی، می‌خواهند از مبانی انقلاب و اصول انقلاب کم بگذارند! این نمی‌شود؛ این نمی‌شود. این نشانه بی‌صبری و نشانه خسته شدن است. گاهی این خسته شدن را - که خودشان خسته شده‌اند - به مردم نسبت می‌دهند؛ مردم خسته شده‌اند؟ نه، نخیر. مردم آن وقتی که احساس کنند مسئولین کشور با سربلندی، مسلمانی و عبودیت خودشان را اعلام می‌کنند، خوشوقت می‌شوند؛ خوشحال می‌شوند. این مردم، مسلمانند. حرکت مردم هم به خاطر همین بود.»

پی‌نوشت:

۱. دیدار رؤسای سه قوه و مسئولان و مدیران بخشهای مختلف نظام ۱۳۸۷/۶/۱۹.



شماره ۲۵  
پاییز ۹۴

۹۵

این روزها و در فضای

مطبوعاتی دولت اعتدال

اگر سری به باجه‌های

روزنامه‌فروشی بزینم، خواهیم

دید که قریب به اتفاق

روزنامه‌ها تنها به طرفداری از

دولت می‌پردازند و جایی برای

نقد سازنده از دولت را قبول

نمی‌کنند و چند روزنامه‌ای هم

که علاوه بر نقاط مثبت به نقاط

ضعف می‌پردازند، را افراطی

معرفی می‌کنند. این روند در

عرصه مطبوعات، غیر از ظهور

قارچ‌گونه سایت‌های حامی

دولت است که همه جانبه به

تعریف از دولت می‌پردازند و از

سوی اصلاح‌طلبان تغذیه فکری

می‌شوند.